

تحلیل ساختار ارتباطی و کارکردی محوطه‌ی چیاپور؛ استقرارگاهی از دوره‌های اشکانی-ساسانی در دشت رومشگان، لرستان

فرشاد میری^I، رضا مهرآفرین^{II}، یونس یوسف‌وند^{III}

شناسه‌ی دیجیتال (DOI): 10.22084/mbsh.2020.20164.2018

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۰۵

(از ص ۹۷ تا ۱۲۰)

چکیده

I. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوران تاریخی، گروه باستان‌شناسی دانشکده‌ی هنر و معماری دانشگاه مازندران، بابلسر، مازندران، ایران (نویسنده‌ی مسئول).
miri_farshad@ymail.com
II. استاد گروه باستان‌شناسی، دانشکده‌ی هنر و معماری دانشگاه مازندران، بابلسر، مازندران، ایران.
III. دانش‌آموخته‌ی دکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

محوطه‌ی چیاپور با مساحتی بیش از ۱۵۰ هکتار، در بخش مرکزی شهرستان رومشگان (غرب لرستان) قرار دارد. این محوطه، متشکل از یک تپه‌ی وسیع به نام «چیاپور» و شماری استقرار پیرامونی است که با توجه به شباهت مواد فرهنگی، موقعیت شکل‌گیری و فاصله‌ی نزدیک آن‌ها نسبت به هم، در طی دوره‌های اشکانی-ساسانی احتمالاً به لحاظ سازمان‌بندی فضایی و زمانی یک محوطه‌ی واحد را تشکیل می‌داده‌اند؛ که می‌توان برای هرکدام از آن‌ها نقش و کارکرد خاصی در بافت این محوطه قائل شد. یافته‌ها باستان‌شناختی محوطه‌ی چیاپور و مطالعه‌ی آن در بافت منطقه‌ای نشان می‌دهد که حیات این محوطه از دوره‌ی اشکانی آغاز شده و در طی دوره‌ی ساسانی بر رونق و اهمیت آن به‌طور نسبی افزوده شده است. هدف پژوهش حاضر که بر مبنای بررسی میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است، پاسخ‌گویی به این پرسش است که با توجه به شواهد باستان‌شناختی موجود چه ارتباط ساختاری و کارکردی می‌توان بین بخش‌های مختلف محوطه‌ی چیاپور برقرار کرد و هر کدام از این اجزاء چه نقش و جایگاهی در بافت سکونتگاهی محوطه‌ی مذکور داشته‌اند؟ یافته‌های تحقیق و شواهد موجود باستان‌شناختی نشان از آن دارد که محوطه‌ی چیاپور در دوره‌های اشکانی-ساسانی از یک محوطه‌ی مرکزی به همراه تعدادی سازه‌ی نظامی و یک بخش صنعتی تشکیل شده است. با توجه به وسعت زیاد تپه چیاپور و تنوع و اهمیت یافته‌های فرهنگی آن (قطعات سفال، اشیاء سنگی، بقایای ساقه و پایه‌ستون‌های شکسته و سالم) نسبت به محوطه‌های پیرامون، می‌توان این تپه را به‌عنوان محوطه‌ی مرکزی یا حاکم‌نشین در نظر گرفت که به‌وسیله‌ی سه سازه‌ی نظامی موسوم به تل خندق‌های ممه‌جو، رشی و الف‌ت محافظت می‌شده است؛ همچنین وجود جوش کوره و بقایای معماری مرتبط با آن در تپه دَرگاوه، این مکان را به‌عنوان بخش صنعتی محوطه‌ی چیاپور معرفی می‌کند.

کلیدواژگان: اشکانی-ساسانی، رومشگان، چیاپور، ساختار ارتباطی و کارکردی.

مقدمه

استان لرستان سرزمینی کوهستانی است که ۸۵ درصد مساحت آن را کوه‌ها دربر می‌گیرد. در میان این کوه‌ها، دشت‌ها و دره‌هایی جای دارد که از مراکز اصلی شکل‌گیری زیستگاه‌های انسانی در این ناحیه به‌شمار می‌روند. یکی از وسیع‌ترین و مهم‌ترین دشت‌های میان‌کوهی لرستان، دشت رومشگان واقع در غرب این استان است. این ناحیه، سومین دشت بزرگ استان لرستان با مساحت ۳۳ هزار هکتار است که وجود مؤلفه‌هایی چون خاک رسوبی به‌همراه بارش مناسب باران (۴۵۰ میلی‌متر در سال) و سفره‌های آب زیرزمینی غنی، آن را از هر نظر مستعد انجام فعالیت‌های کشاورزی با بازدهی نسبتاً بالا کرده است؛ علاوه بر این، وجود مراتع غنی در بخش‌هایی از این ناحیه، باعث رونق فعالیت‌های دامداری شده است و در طی فصول زمستان و بهار پذیرای عشایری از مناطق کرمانشاه و نورآباد می‌باشد. در کنار عوامل زیست‌محیطی، باید قابلیت جغرافیایی دشت رومشگان را به این لحاظ که آن را در مسیر راه‌های ارتباطی جنوب به شمال غرب و میان‌رودان و بالعکس قرار می‌دهد، نیز یادآور شد (میری، ۱۳۹۳: ۴۵).

این عوامل باعث شکل‌گیری اجتماعات انسانی متعدد و مهمی در دشت رومشگان گردیده است که از شاخص‌ترین و مهم‌ترین آن‌ها می‌توان از محوطه‌ی چیاپور نام‌برد که در مرکز دشت مذکور و در بین کوه‌های مَه‌لَه و پَرَفَتاو قرار دارد. مواد فرهنگی گردآوری شده از سطح این محوطه نشانگر مراحل سکونت‌ی از دوره‌های مس‌وسنگ جدید، مفرغ، اشکانی، ساسانی و اسلامی است. شواهد موجود نشان از آن دارد که مهم‌ترین دوره‌های استقرار این محوطه مربوط به دوره‌ی اشکانی و ساسانی بوده است. این محوطه‌ی وسیع از چندین تپه و برجستگی کوچک و بزرگ شامل: تپه چیاپور، تل خندق اَلْفَت، تل خندق رَشی، تل خندق مَمِه‌جو، تپه دَرگاوه، گَلِک مَه‌کی و تپه گَنَل‌سو تشکیل شده است که در مطالعات و تحقیقاتی پیشین هر یک از آن‌ها به‌صورت جداگانه و بدون ارتباط با هم بررسی شده‌اند؛ درحالی‌که موقعیت این محوطه‌ها نسبت به هم، فاصله‌ی نزدیک آن‌ها، الگوی پراکنش و قرابت زمانی مواد فرهنگی نشان از ارتباط و پیوستگی آن‌ها دارد، به‌طوری‌که می‌توان برای هر کدام از این محوطه‌ها نقش و کارکرد خاصی در داخل یک مجموعه به هم پیوسته تعریف کرد. پژوهش حاضر با بررسی شواهد باستان‌شناسی هر یک از بخش‌های محوطه در کنار توجه به الگوی پراکنش آن‌ها در سطح دشت به‌دنبال تحلیل ساختار ارتباطی و کارکردی این محوطه‌ی مهم است.

اهداف و ضرورت پژوهش: هدف پژوهش حاضر معرفی یکی از بزرگ‌ترین استقرارهای دوره‌های پارت و ساسانی در غرب لرستان و مشخص کردن جایگاه و نقش هر کدام از اجزای این محوطه و چگونگی ارتباط آن‌ها با هم است. مطالعه، معرفی و تحلیل این محوطه ضمن این‌که باعث معرفی و شناساندن یک محوطه‌ی مهم از دوره‌های اشکانی و ساسانی در غرب لرستان خواهد شد، گامی در جهت شناخت بهتر و تبیین جایگاه و نقش منطقه‌ی رومشگان در قلمرو حکومت‌های اشکانی و ساسانی خواهد بود.

پرسش و فرضیه‌ی پژوهش: محوطه‌ی چیاپور از چندین برجستگی کوچک و بزرگ به هم پیوسته تشکیل شده است که الگوی پراکنش آن‌ها نشان از ارتباط با هم در یک مجموعه‌ی واحد دارد؛ حال با توجه به این امر، پرسش اصلی که در این باره مطرح می‌شود این است که، چه ارتباط ساختاری و کارکردی بین بخش‌های مختلف محوطه‌ی چیاپور برقرار بوده و هر کدام از این اجزاء چه نقش و جایگاهی در بافت سکونتگاهی محوطه‌ی مذکور دارند؟ در راستای پاسخ‌گویی به پرسش فوق، این فرضیه‌ی مدنظر قرار گرفت؛ محوطه‌ی چیاپور در دوره‌های اشکانی-ساسانی از یک محوطه‌ی مرکزی به همراه تعدادی سازه‌ی نظامی و یک بخش صنعتی تشکیل شده است.

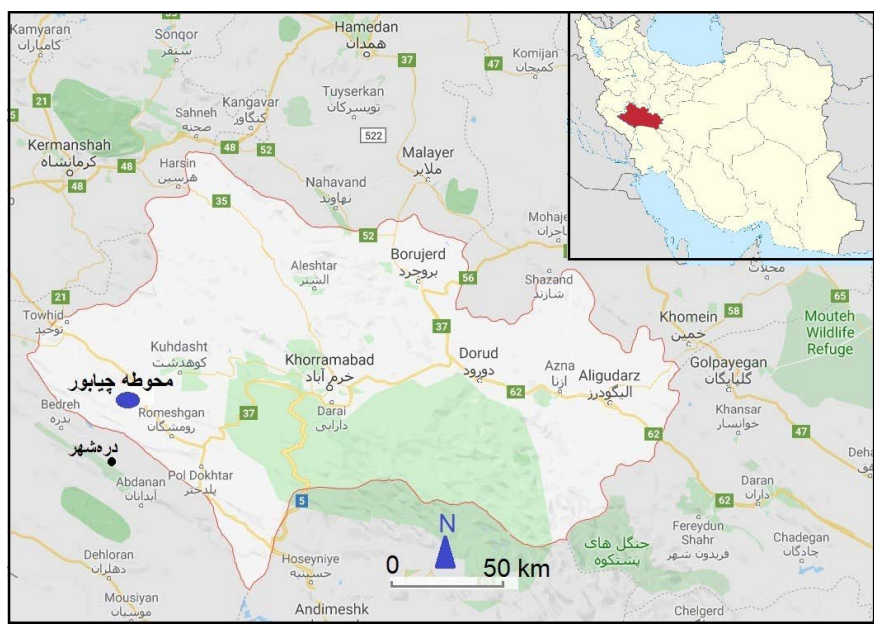
روش پژوهش: این پژوهش از نوع تحقیقات بنیادی است که با بهره‌گیری از رویکرد تاریخی و به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی به مطالعه و شناخت محوطه پرداخته است. یافته‌ها به دو روش میدانی و اسنادی جمع‌آوری شده‌اند؛ در ابتدا با بررسی و بازدید میدانی از سطح محوطه‌ی چیاپور، ضمن آگاهی از وسعت محوطه، مشخص کردن محدوده‌ی احتمالی و بخش‌های مختلف آن، یافته‌های مختلف فرهنگی از سطح محوطه جمع‌آوری شد. در این مرحله، هم‌چنین با بررسی دقیق محدوده‌ی پراکنش آثار و نحوه‌ی قرارگیری آن‌ها نسبت به هم، دید کلی از مجموعه آثار و چگونگی ارتباط آن‌ها در بافت محوطه‌ی چیاپور حاصل شد. در ادامه با رجوع به منابع کتابخانه‌ای برای تکمیل مطالعات اقدام شد و در نهایت با مطالعه‌ی محوطه‌ی چیاپور در بافت منطقه‌ای و با تحلیل سازمان فضایی و الگوی پراکنش بخش‌های مختلف محوطه به تجزیه و تحلیل اطلاعات پرداخته شد.

موقعیت جغرافیایی محوطه

محوطه‌ی چیاپور، محدوده‌ای از حدود ۳۰۰ متری شمال روستای چغابور تا حدود ۲۰۰ متری جنوب روستای مَه‌کی از توابع بخش مرکزی شهرستان رومشگان (غرب لرستان) را دربر می‌گیرد. این محوطه در مرکز دشت رومشگان و در بین کوه‌های مَه‌لَه و پَرِفتاو و به فاصله‌ی ۳ کیلومتری غرب شهر چغابول قرار دارد (تصاویر ۱-۳). ارتفاع محوطه از سطح دریا ۱۰۹۰ متر، و از سطح زمین‌های اطراف حدود ۵ متر است که در مختصات جغرافیایی $N:33'17''28.54$ و $E:47'28''34.78$ قرار می‌گیرد. بیشتر مساحت محوطه امروزه به عنوان زمین‌های کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد که همین امر به همراه فعالیت‌های عمرانی، مانند راه‌سازی، لوله‌کشی آب و گاز و ساخت‌وسازهای روستایی باعث وارد شدن آسیب‌ها و تخریب‌هایی بر سطح آن شده است. مسیر دسترسی به محوطه، جاده‌ی آسفالت‌های است که ارتباط‌دهنده‌ی بخش‌ها و روستاهای مختلف دشت رومشگان است و درست از میانه‌ی بخش شمالی آن می‌گذرد.

پیشینه‌ی پژوهشی

در میان باستان‌شناسان و محققانی چون «ژاک دمورگان» (دمورگان، ۱۳۳۳)،



تصویر ۱. موقعیت استان لرستان و محوطه‌ی چیاپور بر روی نقشه (نگارندگان، ۱۳۹۸).



تصویر ۲. چشم‌انداز دشت میان‌کوهی رومشکان، دید از غرب (نگارندگان، ۱۳۹۸).



تصویر ۳: الف و ب. تصویر هوایی برجستگی اصلی تپه چیاپور (مردانی، ۱۳۹۶).

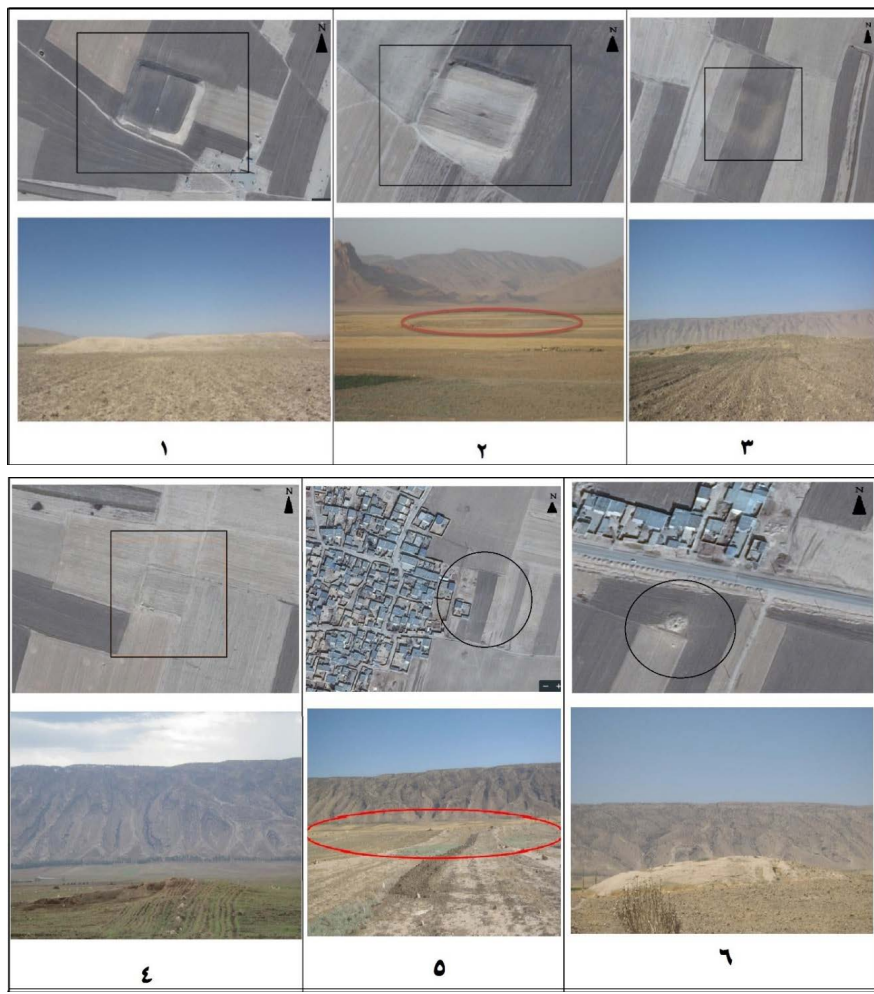
«اورل اشتاین» (Stien, 1940)، «اریخ اشمیت» (Schmidt, 1989)، و «کلرگاف‌مید» (Goof, 1971) که مدت‌ها پیش‌تر از باستان‌شناسان ایرانی از دشت رومشکان بازدید و بررسی به‌عمل آوردند، تنها اشمیت است که به‌صورت مختصر و گذرا به محوطه‌ی چیاپور اشاره کرده است؛ بنابراین پیشینه‌ی تحقیقات در این محوطه

به سال ۱۹۳۴ م. برمی‌گردد، یعنی زمانی که اریخ اشمیت در رأس هیأت «هلمز» مأمور انجام بررسی و کاوش در تعدادی از محوطه‌های دشت رومشگان شد. این هیأت در ۲۶ سپتامبر ۱۹۳۴ م. از تپه‌ای به نام «گوربندی» و سازه‌ای موسوم به «خندق» یاد کرده و موقعیت آن‌ها را در نقشه‌ی رومشگان و ظاهراً در محل فعلی چیاپور نشان داده است. در یادداشت‌های اشمیت به تپه‌ای کوتاه با شکل مخروطی ناقص (برش خورده از رأس) و ابعاد ۶۰ × ۱۰۰ متر اشاره شده که در سطح آن سفال منقوش و سفال دوره‌ی تاریخی وجود داشته است (Schmidt et al., 1989: 10). توصیف اشمیت از تپه‌ی گوربندی و خندق، جانمایی محوطه‌ها در نقشه‌ی مذکور و توجه به یافته‌های سفالی تا حدود اطمینان بخشی، تطبیق گوربندی و خندق را با محل فعلی تپه چیاپور و خندق مِمه جو امکان‌پذیر ساخته است (پرویز، ۱۳۸۵). اما کار ثبت و شناسایی تمام ساختارهای محوطه‌ی چیاپور توسط «احمد پرویز» در سال ۱۳۸۵ ه.ش. انجام گرفت. وی در قالب گزارش کوتاهی و ارائه‌ی تصاویر و نقشه‌هایی از آن‌ها، به معرفی و توصیف این محوطه پرداخته است. در گزارش پرویز به وجود سفال‌های مس‌وسنگ جدید، مفرغ، شوش I، اشکانی، ساسانی، سلجوقی و ایلخانی در این استقرارها و عمدتاً در تپه چیاپور اشاره شده است (همان). «مصطفی رشیدی‌ارزنده» (۱۳۹۰) و «فرشاد میری» (۱۳۹۳)، نیز در راستای انجام پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد و به‌ترتیب با هدف مطالعه‌ی استقرارهای دوره‌ی روستانشینی؛ و الگوهای استقراری دوره‌ی اشکانی دشت رومشگان، محوطه‌ی چیاپور را به‌عنوان بخشی از حوزه‌ی مطالعاتی خود مورد توجه قرار داده‌اند. آخرین مطالعه‌ی مرتبط با محوطه‌ی چیاپور در قالب طرح گمانه‌زنی به‌منظور تعیین عرصه و حریم تپه چیاپور توسط «یاسر مردانی» در شهریور ۱۳۹۶ ه.ش. انجام گرفت (مردانی، ۱۳۹۶). در جریان طرح فوق، شواهدی از دوره‌های مس‌وسنگ، مفرغ، اشکانی، ساسانی و اسلامی به‌دست آمد. از یافته‌های قابل ذکر دوره‌ی مس‌وسنگ می‌توان به دو عدد سردوک سفالی و سنگی اشاره کرد که نمونه‌ی سفالی قابل‌مقایسه با نمونه‌های یافت شده از محوطه‌های چارآرو در حوضه‌ی سد سیمره (حصاری و همکاران، ۱۳۹۲، شکل ۶) و تپه چغامیش (Delogaz & Kantor, 1996: Plate 65 & 232) است. از یافته‌های دوره‌ی اسلامی نیز می‌توان از یک سکه‌ی مسی به قطر ۲۳ و ضخامت ۵ میلی‌متر نام برد. برروی سکه، عبارت «فلوس» حک شده و در پشت آن نقش انتزاعی و ساده‌ای از شیر و خورشید دیده می‌شود. این سکه از لحاظ ویژگی‌هایی چون: جنس، متن و نوع نقوش و همچنین ابعاد و اندازه، شبیه به سکه‌ی فلوس مربوط به دوره‌ی زندیه در موزه‌ی ملک است. تاریخ ضرب سکه‌ی موزه‌ی ملک ۱۱۸۶ ه.ق. بوده و ضرب شیراز است. با توجه به این مقایسه می‌توان سکه‌ی تپه چیاپور را مربوط به دوره‌ی زندیه دانست (مردانی، ۱۳۹۶).

دوره‌های اشکانی و ساسانی محوطه‌ی چیاپور

در جریان بازدید و بررسی پیمایشی نگارندگان از محوطه‌ی چیاپور مشخص شد که این محوطه، مجموعه استقرارگاهی با وسعتی بیش از ۱۵۰ هکتار را تشکیل می‌دهد

که شامل یک تپه‌ی مرکزی (تپه چیاپور) است که به فواصل مختلف در اضلاع شمالی، شرقی و جنوبی آن سه تپه‌ی چهارگوش (تل خندق) قرار دارد. علاوه بر این تل خندق‌ها، دو تپه‌ی دیگر با نام‌های تپه «درگاوه» و «گنل سو» و یک محوطه با برجستگی بسیار کوتاه به نام «کلیک مهکی» مشاهده می‌شود (تصویر ۴). با توجه به شواهد سفالی این محوطه‌ها، می‌توان احتمال داد که به استثنای تپه چیاپور و گنل سو که بنیان اولیه‌ی آن‌ها به دوره‌ی پیش از تاریخ می‌رسد، سایر محوطه‌ها در دوره‌ی اشکانی و ساسانی شکل گرفته‌اند که در ارتباط با هم، یک محوطه‌ی واحد را تشکیل می‌دهند. براساس دامنه‌ی پراکندگی و میزان یافته‌های فرهنگی محوطه‌ی چیاپور، می‌توان گفت که هم‌زمان با دوره‌ی اشکانی اهمیت و رونق محوطه آغاز می‌شود و در طی دوره‌ی ساسانی نیز تداوم یافته است. در این رابطه مطالعه‌ی محوطه در بافت منطقه‌ای (دشت رومشگان) و در ارتباط با مناطق پیرامونی (دره‌ی سیمره) نیز به روشنی این امر را نشان می‌دهد. طی مطالعات و بررسی‌های انجام گرفته در دشت رومشگان (مرادی، ۱۳۸۵؛ پرویز، ۱۳۸۵؛ میری، ۱۳۹۳)، در مجموع ۳۵ اثر از ادوار مختلف شناسایی شد. در این میان بیشترین تراکم استقرار (۲۷ محوطه) مربوط به دوره‌های اشکانی و ساسانی است که از



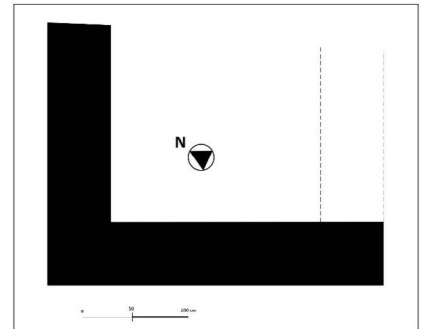
تصویر ۴. تصویر ماهواره‌ای و عکس بخش‌های مختلف محوطه‌ی چیاپور: ۱. تل خندق ممه‌جو، ۲. تل خندق الفت، ۳. تل خندق رشی، ۴. تپه گنل سو، ۵. کلیک مهکی، ۶. تپه درگاوه (نگارندگان، ۱۳۹۸).

این تعداد ۲۳ محوطه دارای شواهدی از دوره‌ی اشکانی و ۲۷ محوطه حاوی بقایای فرهنگی دوره‌ی ساسانی است. افزایش محوطه‌های ساسانی نسبت به ادوار پیشین نشان از رونق بیشتر دشت رومشگان طی این دوره دارد. در طی دو فصل بررسی باستان‌شناختی دره‌ی سیمره، به‌طور کلی تعداد ۲۴۶ اثر از دوره‌های مختلف یافت شد (شهبازی، ۱۳۸۵؛ مظاهری، ۱۳۸۵).

نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که محدوده‌ی مورد مطالعه به‌ترتیب اهمیت در قرون اولیه‌ی اسلامی، ساسانی و اشکانی رونق زیادی داشته و سکونت‌گاه‌های بسیاری (بناها، پل‌ها، قلعه‌ها، شهرها و...) در این ادوار شکل گرفته است. افزایش جمعیت، رونق کشاورزی و ساخت قلعه‌ها و استحکامات در این دوره‌ها کاملاً آشکار است. بسیاری از محوطه‌های مهم و بزرگ از جمله محوطه‌ی «شاه‌نشین سیکان»، «یوژاندر ۲»، «تپه‌تپه»، «دژ چوبینه» و محوطه‌های مجاور آن (شهبازی، ۱۳۸۵) «پل چشم نمشت ۱» و بنای مدفون مجاور آن و «تپه قلاگل» (مظاهری، ۱۳۸۵) دارای انباشت‌های فرهنگی سه دوره‌ی متوالی اشکانی، ساسانی و اسلامی هستند. اما در مقایسه‌ی کلی تعداد محوطه‌های دوره‌ی ساسانی تقریباً ۱/۵ برابر محوطه‌های اشکانی است؛ بنابراین در دره‌ی سیمره نیز روند افزایش جمعیت و تعداد سکونتگاه‌ها از دوره‌ی اشکانی به دوره‌ی ساسانی کاملاً بارز است. بر سطح و دامنه‌ی محوطه‌ی چیاپور قطعات سفال، شواهد معماری و تعدادی از اشیاء و ساخته‌های سنگی به چشم می‌خورد. با توجه به دامنه‌ی پراکندگی و حجم انبوه سفال‌های اشکانی و ساسانی و این‌که یافته‌های سایر دوره‌های فرهنگی محوطه در حد و اندازه‌ی نیستند که بتوان یافته‌های معماری و اشیاء سنگی را به آن‌ها متعلق دانست؛ بنابراین نگارندگان در این پژوهش، یافته‌های پیش‌گفته را به‌عنوان بخشی از مواد فرهنگی منتسب به دوره‌های اشکانی و ساسانی بررسی خواهند کرد.

بقایای معماری

آثار و شواهد معماری مربوط به دوره‌های مورد بحث در این تحقیق را می‌توان در تپه‌ی مرکزی، تپه درگاه و تل خندق‌های الفت، ممه‌جو و رشی مشاهده کرد. باتوجه به عدم انجام کاوش در این محوطه، آثار معماری بیشتر به‌صورت پراکنده در سطح دیده می‌شود. بر سطح برجستگی اصلی تپه چیاپور، شواهدی از بنایی که با مصالح لاشه‌سنگ و ملاط گچ ساخته شده قابل مشاهده است. دیوار قسمت‌های قابل مشاهده بین ۱۱۰ تا ۱۲۰ سانتی‌متر ضخامت دارد (تصویر ۵: شماره ۱). با توجه به این‌که قسمت باقی‌مانده از برجستگی اصلی مساحتی حدود ۱۰۹۵ متر دارد، آثار برجای مانده‌ی بقایای احتمالی یک ساختمان بزرگ با نقشه‌ی مستطیلی را نشان می‌دهد. در دامنه‌ی جنوبی این تپه آجرهای مربع‌شکل به رنگ قهوه‌ای متمایل به قرمز، با پخت مناسب و آمیزه‌ی گیاهی مشاهده می‌شود. ابعاد یکی از آن‌ها که تقریباً سالم باقی مانده، ۳×۳×۷ سانتی‌متر است (تصویر ۶: شماره ۱)، و احتمالاً دیگر قطعات نیز دارای ابعاد و فرمی همسان با این نمونه بوده‌اند (تصویر ۶: شماره ۲). مشابه این آجرها با اندک اختلافی به‌لحاظ ابعاد و اندازه در برخی از محوطه‌های



▲ تصویر ۵. تصویر و پلان بقایای معماری سطحی تپه چغابور (نگارندگان، ۱۳۹۸).

دوره‌ی ساسانی، مانند: تیسفون، پل چمن‌مشت در حاشیه‌ی رودخانه‌ی سیمره، ایوان کرخه و آتشکده‌ی آذرگشنسب به کار رفته است. در ایوان مدائن و پل چمن‌مشت به ترتیب از آجرهای مربع به ابعاد $30 \times 30 \times 7/5$ سانتی‌متر (Bruno, 1966: 101)، و $30 \times 30 \times 7$ سانتی‌متر (پرویز، ۱۳۸۱: ۸۵)؛ در ساختمان کاخ ایوان کرخه آجرهای مربع به اضلاع ۳۲ تا ۲۸ سانتی‌متر (بزئوال، ۱۳۷۹: ۲۰۶)، و در اتاق مرکزی گنبددار در آتشکده‌ی آذرگشنسب تماماً از آجرهای پخته شده به ابعاد $29 \times 29 \times 6/5$ سانتی‌متر (سرفراز، ۱۳۷۶: ۶۰-۵۹) استفاده شده است؛ بنابراین همان‌گونه که «هوف» بیان می‌کند آجرهای به کار رفته در بناهای ساسانی تقریباً همواره مربع‌شکل، با اضلاعی حدود ۳۰ سانتی‌متر و ضخامتی برابر با ۵ سانتی‌متر بوده‌اند (Huff, 1977: 25). علاوه بر آجر، در دامنه‌ی این بخش از محوطه و در داخل بافت مسکونی روستای امروزی چغابور، سنگ‌های تراش خورده‌ی فراوانی دیده می‌شود که به احتمال به‌عنوان اجزای معماری در ساخت و سازها به کار می‌رفته‌اند (تصویر ۷). از میان آن‌ها می‌توان قطعات شکسته‌ی ستون و پایه‌ستون را تشخیص داد. جنس همه‌ی قطعات از سنگ آهک سفیدرنگ بوده و به جز یک قطعه که به‌عنوان پایه‌ستون به کار رفته و دارای تراش منظم و صیقل یافته‌ای است، سایر قطعات ساده و بدون صیقل هستند. قطر ساقه و پایه‌ستون‌ها بین ۳۰ تا ۳۵ سانتی‌متر متغیر است. تناسب در ابعاد و اندازه و تکنیک ساخت یکسان این نمونه‌ها می‌تواند شاهدی بر این مدعا باشد که ما با یک مجموعه‌ی همسان و هم‌زمان مواجه هستیم. هم‌اکنون از این قطعات سنگی به‌عنوان -سکوی نشیمن در درب منازل مسکونی و مغازه‌ها- استفاده می‌شود. بنا به گفته‌ی اهالی محل، هنگام کندن پی برای ساخت خانه‌های خود، به نمونه‌هایی از این سنگ‌های تراش خورده برخورد می‌کردند و بعد از بیرون آوردن آن‌ها از دل خاک، با این تصور که در داخل آن‌ها



▲ تصویر ۶. شواهدی از بقایای معماری و یافته‌های سطحی مرتبط با معماری تپه چیاپور (نگارندگان، ۱۳۹۸).



گنجی نهفته است، برخی از آن‌ها را شکسته و قطعه‌قطعه می‌کردند. با توجه به تعداد نسبتاً زیاد یافته‌های سنگی تراش خورده با کاربری معماری، احتمالاً بنای ستون‌داری در این محوطه وجود داشته است. در حال حاضر و در نبود داده‌های حاصل از کاوش نمی‌توان در مورد این‌که این یافته‌های سنگی به دوره‌ی اشکانی یا ساسانی تعلق دارند، اظهار نظر قطعی کرد. این موضوع از آنجا مشکل‌تر می‌شود که در میان قطعات فوق، نمونه‌ای (اعم از سرستون یا بقیه‌ی اجزاء یک ستون) که دارای مشخصه‌های تزئینی یا تکنیکی خاصی از دوره‌های مذکور باشد، دیده نمی‌شود؛ بنابراین عملاً امکان تاریخ‌گذاری آن‌ها از طریق مقایسه‌ی تطبیقی با نمونه‌های به دست آمده از بناهای شاخص اشکانی و ساسانی وجود ندارد. در شرایط کنونی با توجه به دامنه‌ی پراکندگی یافته‌های فرهنگی (سفال) دوره‌ی اشکانی و ساسانی نسبت به سایر دوره‌ها و این‌که یافته‌های دوره‌های دیگر در حدی نیستند که بتوان انتظار وجود بنای ستون‌دار در آن‌ها را داشت، می‌توان در یک تاریخ‌گذاری مقدماتی و کلی، یافته‌های سنگی را به این دوره‌ها منتسب کرد. با توجه به این موضوع که اکثر این یافته‌ها فاقد جنبه‌های تزئینی و تکنیکی خاصی هستند، می‌توان آن‌ها را در ارتباط با شیوه‌ها و سبک‌های محلی دانست.

یکی دیگر از برجستگی‌های محوطه‌ی چیاپور که شواهدی از معماری را ارائه می‌دهد؛ تپه درگاه واقع در ضلع جنوبی روستای چغابور (دقیقاً در مجاورت جاده‌ی آسفالتی رومشگان) و در ۷۰۰ متری جنوب شرقی برجستگی اصلی تپه چیاپور است. بر رأس ضلع شرقی این محوطه شواهدی از یک دیوار ساخته شده از لاشه‌سنگ و ملاط گچ به طول ۲ متر و ارتفاع ۵۰ سانتی‌متر دیده می‌شود (تصویر ۶؛ شماره ۳). علاوه بر این دیوار، نمونه‌هایی از آجرهای شکسته و سالم بر سطح و پیرامون محوطه پراکنده شده است. این آجرها، مشابه نمونه‌های یافت شده بر دامنه‌ی برجستگی



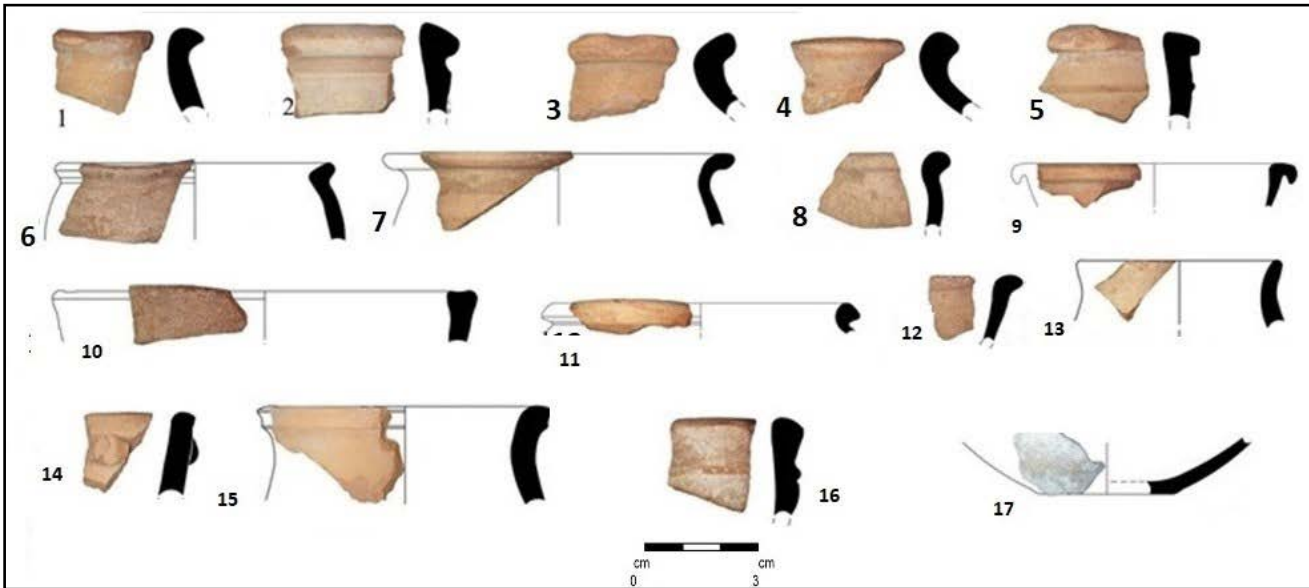
تصویر ۷. نمونه‌هایی از یافته‌های سنگی تپه چیاپور با کاربری معماری (نگارندگان، ۱۳۹۸).

اصلی تپه چیاپور هستند. در نتیجه‌ی حفاری‌های غیرمجازی که در تل خندق‌های سه‌گانه‌ی اطراف تپه چیاپور صورت‌گرفته، نیز قسمت‌هایی از لاشه‌سنگ‌های آغشته به ملات گچ بر دامنه و سطح این محوطه‌ها پراکنده شده است.

یافته‌های سفالی

حجم زیادی از یافته‌های سطحی محوطه‌ی چیاپور را سفال‌های دوره‌های اشکانی و ساسانی تشکیل می‌دهد. سفال‌های دوره‌ی اشکانی، تقریباً در بیشتر نقاط محوطه با تراکم نسبتاً زیادی در مقایسه با سفال دوره‌ی ساسانی دیده می‌شوند. اما با توجه به مشاهدات سطحی، این تراکم در بخش شمالی محوطه، یعنی حدفاصل تپه چیاپور و تل خندق الفت و همچنین در میانه‌ی ضلع جنوبی آن در محدوده‌ی بین کلک مهکی و تل خندق ممه‌جو بیش از سایر نقاط است. ضمن این‌که در انتهای ضلع جنوبی محوطه‌ی چیاپور (منطقه‌ی بین کلک مهکی تا تل خندق رشی)، شاهد پراکنش سفالی با تراکم پایینی هستیم. در حالت کلی سه گروه سفال، شامل سفال‌های معمولی، لعاب‌دار و کلینکی دوره‌ی اشکانی از این محوطه به دست آمد؛ که غالب سفال‌ها را گونه‌ی معمولی تشکیل می‌دهد و فقط تعداد اندکی سفال لعاب‌دار و کلینکی یافت شد. سفال‌های ساسانی محوطه‌ی چیاپور نیز در قسمت‌های مختلف این محوطه یافت می‌شوند؛ به مانند الگوی پراکنش سفال‌های اشکانی، تراکم سفال‌های ساسانی در شمال محوطه‌ی چیاپور (محدوده‌ی بین برجستگی اصلی تپه چیاپور، خندق الفت و تپه درگاوه) بیشتر از سایر نقاط است. در حدفاصل محوطه‌های تپه درگاوه و کلک مهکی (قسمت‌های میانی محوطه‌ی چیاپور) این تراکم کمتر می‌شود تا این‌که در ضلع جنوبی آن به ندرت می‌توان قطعات سفالی را

مشاهده کرد. تنها گونه‌ی شناسایی شده از سفال این دوره، محدود به گونه‌ی سفال معمولی است. طبیعتاً با معرفی مجموعه سفال‌های اشکانی و ساسانی محوطه‌ی مذکور از طریق مقایسه‌ی آن‌ها با مجموعه‌های تاریخ‌گذاری شده و معیار این ادوار از منطقه‌ی غرب ایران و دیگر مناطق، گامی اساسی و اولیه برای درک بهتر دوره‌های مذکور در این محوطه برداشته می‌شود؛ که در ادامه در قالب تصاویر و جداولی به این مهم پرداخته می‌شود (تصاویر ۸-۱۰؛ جداول ۱-۳).



▲ تصویر ۸. گزیده‌ای از سفال‌های اشکانی محوطه چیاپور (مردانی، ۱۳۹۶).

یافته‌های سنگی

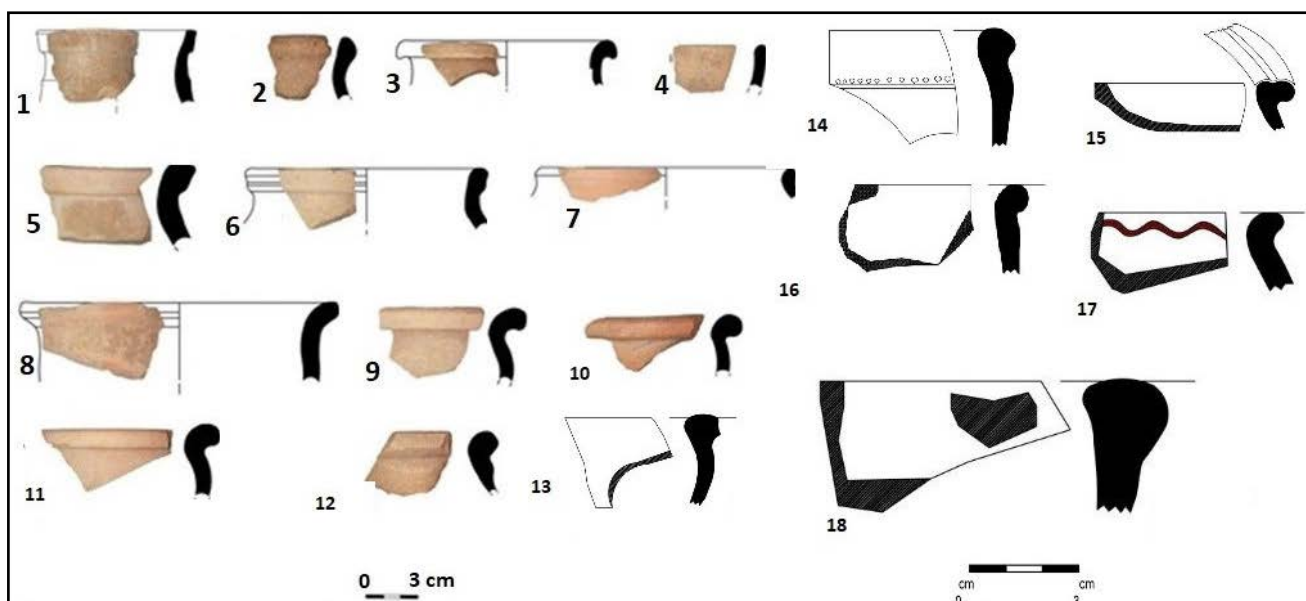
بر سطح و دامنه‌ی تپه چیاپور، شمار قابل توجهی اشیاء سنگی پراکنده شده است. استوانه‌های سنگی از جمله یافته‌های سطحی این محوطه است که به‌عنوان اجزای معماری به‌کار رفته‌اند؛ بنابراین به معرفی و توصیف آن‌ها در ذیل یافته‌های معماری پرداخته شد. اما شمار دیگری از یافته‌ها و اشیاء سنگی کاربری معماری ندارند که در این بخش به معرفی و بررسی ویژگی‌های ظاهری و کارکردی آن‌ها پرداخته می‌شود. این یافته‌ها شامل چهار عدد سنگ حفره‌دار، یک هاون و هم‌چنین تعدادی شیء سنگی مدور و چهارگوش است.

سنگ‌های حفره‌دار

تعداد چهار عدد سنگ حفره‌دار طی بررسی سطحی از محوطه‌ی چیاپور به‌دست آمد؛ این یافته‌ها، از نوع سنگ‌های بزرگ و کوچک بدون قواره هستند که هیچ‌گونه تراش و پرداختی در سطح آن‌ها صورت نگرفته است (تصویر ۱۱: شماره ۳). جنس این نمونه‌ها از سنگ آهک سفید رنگ است و هم‌اکنون به‌عنوان نشانه‌ای برای تعیین مرز زمین‌های کشاورزی به‌کار می‌روند. دو نمونه از این سنگ‌ها از ضلع شرقی تپه چیاپور و نمونه‌های دیگر در ضلع جنوبی و شمالی آن به‌دست آمدند. از ابعاد و اندازه‌ی این سنگ‌ها می‌توان وزنی بین ۳۰ تا ۱۰۰ کیلوگرم را برای آن‌ها تخمین زد.

جدول ۱. مشخصات فنی و مقایسات تطبیقی سفال‌های اشکانی محوطه‌ی چیاپور (مردانی، ۱۳۹۶).

شماره‌ی قطعه	نام محوطه	مشخصات: (نوع قطعه، رنگ خمیره، ماده‌ی چسباننده، نوع ساخت، میزان پخت، ضخامت، رنگ پوشش درون، رنگ پوشش بیرون، نوع تزئین)	منبع مقایسه	دوره
۱	تپه چیاپور	لبه، قهوه‌ای روشن، شن‌درشت، چرخ، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، -	رهبر، ۱۳۸۲: طرح ۱۲۴	اشکانی؟
۲	تپه چیاپور	لبه، قرمز، شن، چرخ، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، -	محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوح ۱۹:۳	اشکانی
۳	تپه چیاپور	لبه، قهوه‌ای، شن، چرخ، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، پوشش‌رگلی غلیظ قهوه‌ای، -	Keall & Keall, 1981: fig. N. 9	اشکانی
۴	تپه چیاپور	لبه، قهوه‌ای، شن، چرخ، کافی، متوسط، قرمز، نخودی، پوشش گلی رقیق، -	Kleiss, 1970: Abb. 26: 12	اشکانی
۵	تپه چیاپور	لبه، قهوه‌ای، شن، چرخ، ناکافی، متوسط، نخودی، نخودی، پوشش‌رگلی غلیظ، نقش برجسته ملنایی روی شانه-	Keall & Keall, 1981: fig. 18: 31	اشکانی؟
۶	تپه چیاپور	لبه، قهوه‌ای، شن، چرخ، کافی، متوسط، نخودی تیره، قهوه‌ای تیره، -	Kleiss, 1970: Abb. 22: 26	اشکانی
۷	تپه چیاپور	لبه، قرمز تیره، شن، چرخ، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، پرداخت با دست مرطوب، -	محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوح ۱۱:۴	اشکانی
۸	تپه چیاپور	لبه، نخودی، شن، چرخ، کافی، متوسط، نخودی تیره، نخودی تیره، -	علی‌بیگی، ۱۳۸۹: طرح ۳:۱۲	اشکانی
۹	تپه چیاپور	لبه، نارنجی، شن، چرخ، کافی، متوسط، نارنجی، نارنجی، پوشش گلی رقیق صورتی-		اشکانی
۱۰	تپه چیاپور	لبه، قهوه‌ای، شن، چرخ، کافی، متوسط، قهوه‌ای، قهوه‌ای، -	علی‌بیگی، ۱۳۸۹: طرح ۳:۱۲	اشکانی
۱۱	تپه چیاپور	لبه، نارنجی روشن، شن، چرخ، کافی، متوسط، نارنجی، نارنجی، -	علی‌بیگی، ۱۳۸۹: طرح ۱۰:۲	اشکانی
۱۲	تپه چیاپور	لبه، قهوه‌ای، شن، چرخ، ناکافی، متوسط، قهوه‌ای، قهوه‌ای، -	علی‌بیگی، ۱۳۸۹: طرح ۱۱:۴	اشکانی
۱۳	تپه چیاپور	لبه، قرمز، شن، چرخ، کافی، متوسط، نخودی، نخودی قرمز، -	خسروزاده و عالی، ۱۳۸۳: ۳:۷	اشکانی
۱۴	تپه چیاپور	لبه، قهوه‌ای روشن، شن، چرخ، کافی، متوسط، نخودی نارنجی، نخودی نارنجی، -	علیزاده، ۱۳۸۲: شکل ۱۱:۵	اشکانی؟
۱۵	تپه چیاپور	لبه، نارنجی، شن، چرخ، کافی، متوسط، نارنجی، نارنجی، پوشش گلی غلیظ نخودی، نقش برجسته روی لبه	Kleiss, 1970: Abb. 5:4	اشکانی
۱۶	تپه چیاپور	لبه، نارنجی، شن، چرخ، کافی، متوسط، نارنجی، نارنجی، پوشش گلی غلیظ نخودی، نقش برجسته روی لبه	Kleiss, 1970: Abb. 5:4	اشکانی
۱۷	تپه چیاپور	کف (جلیبگی)، خاکستری، ماسه، چرخ، کافی، ظریف، خاکستری، خاکستری، -		اشکانی



بر سطح فوقانی و میانی هر چهار نمونه، حفره‌ای مدور به طول ۱۰ تا ۳۰ سانتی‌متر، قطر بیرونی ۸ تا ۱۲ سانتی‌متر و قطر داخلی ۴ تا ۶ سانتی‌متر کنده شده است.^۲

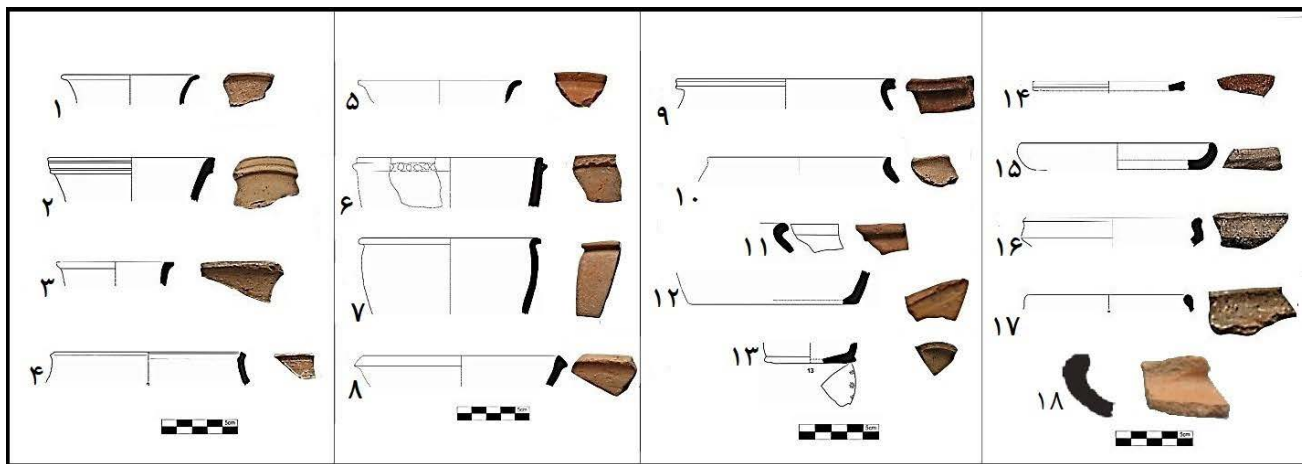
▲ تصویر ۹. گزیده‌ای از سفال‌های ساسانی محوطه‌ی چیاپور (نمونه‌های ۱-۱۲: مردانی، ۱۳۹۶؛ نمونه‌های ۱۳-۱۸: بخشی‌زاده، ۱۳۹۵).

اشیاء چهارگوش و مدور

از این اشیاء سنگی دو عدد از سطح و دامنه‌ی تپه چیاپور و دو عدد در داخل بافت

جدول ۲. مشخصات فنی و مقایسات تطبیقی سفال‌های ساسانی محوطه‌ی چیاپور (مردانی، ۱۳۹۶).

شماره‌ی قطعه	نام محوطه	مشخصات: (نوع قطعه، رنگ خمیره، ماده چسباننده، نوع ساخت، میزان پخت، ضخامت، رنگ پوشش درون، رنگ پوشش بیرون، نوع تزیین)	منبع مقایسه
۱	تپه چیاپور	لبه، نخودی، شن، چرخ، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، پوشش گلی رقیق نخودی-	حسن پور، ۱۳۹۱: تصویر ۱ S-n6
۲	تپه چیاپور	لبه، قهوه‌ای، شن، چرخ، ناکافی، متوسط، قهوه‌ای، قهوه‌ای، -	Lecomte, 1987: Pl. 57:2
۳	تپه چیاپور	لبه، نخودی، شن، چرخ، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، پوشش گلی رقیق نخودی، -	Keall&keall, 1981: Fig. 8:16
۴	تپه چیاپور	لبه، قهوه‌ای روشن، شن، چرخ، کافی، متوسط، نخودی قهوه‌ای، نخودی قهوه‌ای، -	
۵	تپه چیاپور	لبه، نخودی نارنجی، شن، چرخ، کافی، متوسط، نخودی نارنجی، نخودی نارنجی، -	حسن پور، ۱۳۹۱: تصویر ۲: n 5
۶	تپه چیاپور	لبه، قهوه‌ای، شن، چرخ، کافی، متوسط، قهوه‌ای، قهوه‌ای، -	
۷	تپه چیاپور	لبه، نخودی، شن ریز، چرخ، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، شیارهای کنده موازی در روی لبه-	
۸	تپه چیاپور	لبه، نارنجی، شن ریز، چرخ، کافی، متوسط، نارنجی، نارنجی، -	حسن پور، ۱۳۸۹: کاتالوگ ۹:۱۸
۹	تپه چیاپور	لبه، نخودی، شن ریز، چرخ، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، -	
۱۰	خندق الفت	لبه، نارنجی، شن، چرخ، کافی، متوسط، نارنجی، نارنجی، -	
۱۱	تپه چیاپور	لبه، نخودی نارنجی، شن، چرخ، کافی، متوسط، نخودی نارنجی، نخودی نارنجی، -	حسن پور، ۱۳۹۱: تصویر ۲: n 5
۱۲	تپه چیاپور	لبه، قهوه‌ای روشن، شن، چرخ، کافی، متوسط، قهوه‌ای روشن، قهوه‌ای روشن، -	
۱۳	گنل سو	لبه، قهوه‌ای روشن، شن، چرخ، کافی، متوسط، نخودی نارنجی، نخودی نارنجی، -	Lecomte, 1987: Pl. 55: 14
۱۴	گنل سو	لبه، قهوه‌ای روشن، شن، چرخ، کافی، متوسط، نخودی نارنجی، نخودی نارنجی، -	
۱۵	درگاه	لبه، نخودی، شن ریز، چرخ، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، شیارهای کنده موازی در روی لبه-	
۱۶	چیاپور	لبه، نارنجی، شن، چرخ، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، پوشش گلی غلیظ نخودی، -	
۱۷	چیاپور	لبه، نخودی، شن، چرخ، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، نقش کنده مواج در زیر لبه-	
۱۸	چیاپور	لبه، قرمز، شن ریز، چرخ، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، -	



▲ تصویر ۱۰. گزیده‌ای از سفال‌های محوطه‌ی چیاپور (نگارندگان، ۱۳۹۸).

مسکونی روستا به دست آمد. این اشیاء به مانند دیگر ساخته‌های سنگی محوطه‌ی چیاپور از سنگ آهک ساخته شده‌اند و به لحاظ شکل‌هندسی به نمونه‌های چهارگوش، مستطیل و مدور تقسیم می‌شوند؛ از بین آن‌ها دو نمونه، به طور ویژه قابل ذکرند؛ نمونه‌ی اول با شکل هندسی چهارگوش منظم، در هر دو سطح داخلی و خارجی بسیار خوب تراشیده شده است و به یک حوض سنگی شباهت دارد (تصویر ۱۰: شماره ۱). نمونه‌های مشابه این شیء با تفاوت‌های در ابعاد و اندازه از محوطه‌های چون کَلِک تَمِرَخو (یوسفوند و میری، ۱۳۹۸: ۱۴۱) و قلعه‌گوری رماوند (حسن پور،

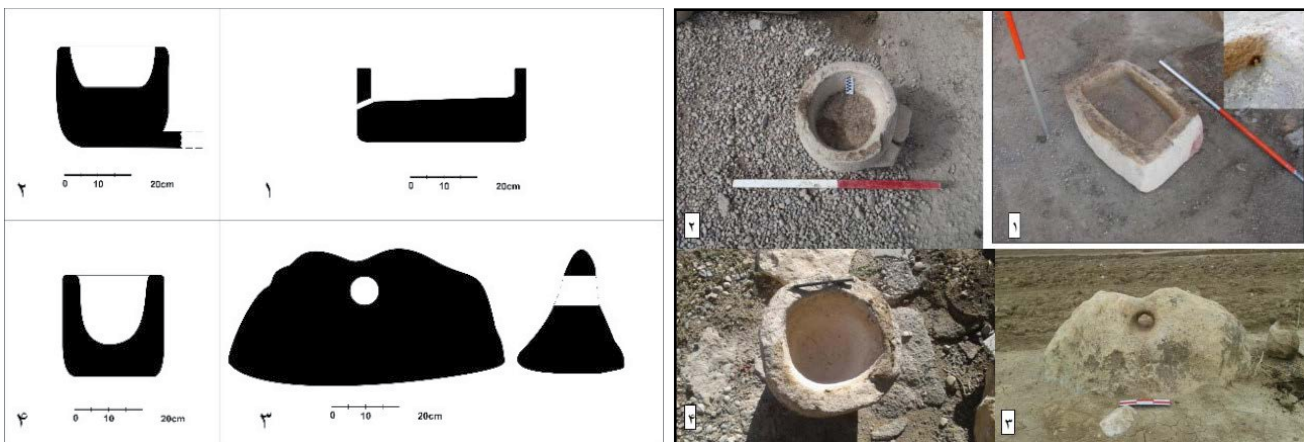
جدول ۳. مشخصات فنی و مقایسات تطبیقی سفال‌های بخش‌های مختلف محوطه‌ی چیاپور (نگارندگان، ۱۳۹۸).

شماره‌ی قطعه	نام محوطه	مشخصات: (نوع قطعه، رنگ خمیره، ماده‌ی چسباننده، نوع ساخت، میزان پخت، ضخامت، رنگ پوشش درون، رنگ پوشش بیرون، نوع تزیین)	منبع مقایسه	دوره
۱	درگاه	لبه، نخودی، شن، دست، ناکافی، ظریف، نخودی، نخودی، پوشش رقیق کرم، -	محمدی‌فر، ۱۳۸۴، لوح ۶:۴۶	اشکانی
۲	تپه چیاپور	لبه، نخودی، شن‌ریز، چرخ، کافی، متوسط، نخودی‌صورتی، نخودی، نقش کنده-	Kleiss, 1970: Abb. 26: 4-5-7. Keall & Keall, 1981: fig. 20: 28	اشکانی
۳	ممه‌جو	لبه، قرمز، شن‌ریز، چرخ، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، پوشش گلی رقیق در بیرون، -	Kleiss, 1970: Abb. 26: 11	اشکانی
۴	الفت	لبه، نخودی‌صورتی، شن‌ریز، چرخ، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، پوشش رقیق نخودی، -		اشکانی
۵	ممه‌جو	لبه، قرمز، شن‌ریز، چرخ، کافی، متوسط، قرمز، قرمز، -	Keall & Keall, 1981: fig. 20: 28	اشکانی
۶	گنل‌سو	لبه، قرمز، شن، چرخ، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، نقش افزوده در بیرون، رقیق کرم در بیرون، -	کلایس، ۱۳۸۵، شکل ۵، پایین، وسطی Keall & Keall, 1981: fig. 8: 20	اشکانی
۷	گنل‌سو	لبه، قرمز، شن‌ریز، دست، کافی، متوسط، قرمز، قرمز، پوشش رقیق کرم در بیرون، -	Keall & Keall, 1981: fig. 16: 34	اشکانی
۸	گنل‌سو	لبه، قرمز، شن، دست، کافی، خشن، قرمز، قرمز، -	آذرنوش، ۱۳۸۶، لوح ۱۰:۰۵ Keall & Keall, 1981: fig. 16:34	اشکانی
۹	الفت	لبه، قهوه‌ای روشن، شن، و آهک، چرخ، ناکافی، متوسط، قهوه‌ای، خاکستری، -	محمدی‌فر، ۱۳۸۴، لوح ۳:۹ Keall & Keall, 1981: fig. 18:15	اشکانی
۱۰	الفت	لبه، قهوه‌ای، شن، دست، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، -	محمدی‌فر، ۱۳۸۴، لوح ۲۶:۴	اشکانی
۱۱	رشی	لبه، نارنجی روشن، شن، چرخ، کافی، متوسط، نارنجی، نارنجی، -		اشکانی
۱۲	رشی	لبه، قهوه‌ای، شن، چرخ، ناکافی، متوسط، قهوه‌ای، قهوه‌ای، -		اشکانی
۱۳	درگاه	کف، نخودی، شن، چرخ، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، نقش فشاری -		اشکانی
۱۴	درگاه	لبه، خاکستری، شن و آهک، دست، ناکافی، متوسط، قهوه‌ای، خاکستری، -		اشکانی
۱۵	مهکی	لبه، نخودی، شن، دست، کافی، خشن، قرمز، قرمز، لعاب دو طرف ظرف -		اشکانی
۱۶	مهکی	لبه، قهوه‌ای خاکستری، شن، دست، کافی، متوسط، خاکستری، خاکستری، لعاب دو طرف ظرف، -	Stronach, 1987: fig. 107: 9	اشکانی؟
۱۷	مهکی	لبه، قهوه‌ای خاکستری، شن، چرخ، ناکافی، متوسط، خاکستری، خاکستری، لعاب دو طرف ظرف، -	Stronach, 1973: fig. 9: 20	اشکانی
۱۸	گنل‌سو	لبه، نخودی، شن، دست، ناکافی، خشن، نخودی، نخودی، -		اشکانی

۱۳۹۳: ۲۰۸) به دست آمده است. ابعاد بیرونی و داخلی آن به ترتیب ۲۲×۳۰×۵۰ سانتی‌متر و ۱۰×۲۴×۴۶ سانتی‌متر است. این شیء، یک سوراخ مدور کوچک به قطر ۵ سانتی‌متر در قسمت پایین یکی از اضلاع داخلی خود دارد که احتمالاً برای خروج مایعات بوده است. نمونه‌ی دیگر، شیء سنگی مدوری به قطر داخلی ۲۵، عمق ۱۲ و ارتفاع بیرونی ۳۰ سانتی‌متر است که بر روی یک پایه‌ی کوچک قرار دارد (تصویر ۱۱: شماره ۲). این شیء نیز بسیار خوش‌فرم و خوش‌تراش بوده و سوراخی به قطر حدود ۴ سانتی‌متر در کف آن دیده می‌شود. در قسمت جلویی این سوراخ و متصل به آن، یک زائده‌ی سنگی وجود دارد که دارای شیاری به عمق ۶ و عرض ۳ سانتی‌متر است. طول باقی‌مانده از زائده‌ی سنگی شیاردار جلوی ظرف حدود ۱۰ سانتی‌متر است؛ اما شواهد شکستگی که در آن دیده می‌شود، طولی بیشتر از آن‌چه که اکنون از آن باقی‌مانده را گواهی می‌دهد. شکل هندسی منظم نمونه‌های فوق و مدت زمانی که برای تراشیدن و ساخت این اشیاء صرف شده است، نشان‌دهنده‌ی اهمیت و شاید کاربری ویژه‌ی آن‌ها باشد. با توجه به شواهد و مدارکی چون وجود سوراخ و شیاردار کف این نمونه‌ها، از آن‌ها در امور مرتبط با آب استفاده می‌شده؛ ولی این‌که این استفاده چگونه و به چه صورت بوده است، از جزئیات و چگونگی آن اطلاعی نداریم. در پایان بحث مرتبط با یافته‌های سنگی پراکنده بر سطح محوطه‌ی چیاپور، اشاره به یک نمونه هاون سالم و دایره‌ای شکل نیز جالب توجه است. شیء مذکور به حالت وارونه در کنار دیوار ساختمان یکی از اهالی روستا قرار دارد. ارتفاع

بیرونی هاون حدود ۳۰ سانتی‌متر و ضخامت دیواره‌ی آن ۵ سانتی‌متر است. عمق داخلی و قطر این هاون نیز به حدود ۲۰ سانتی‌متر می‌رسد. در بدنه‌ی داخلی و کف آن، به روشنی شواهد کند و کوب ناشی از بیختن و خرد کردن غلات و دانه‌های گیاهی دیده می‌شود (تصویر ۱۱: شماره ۴).

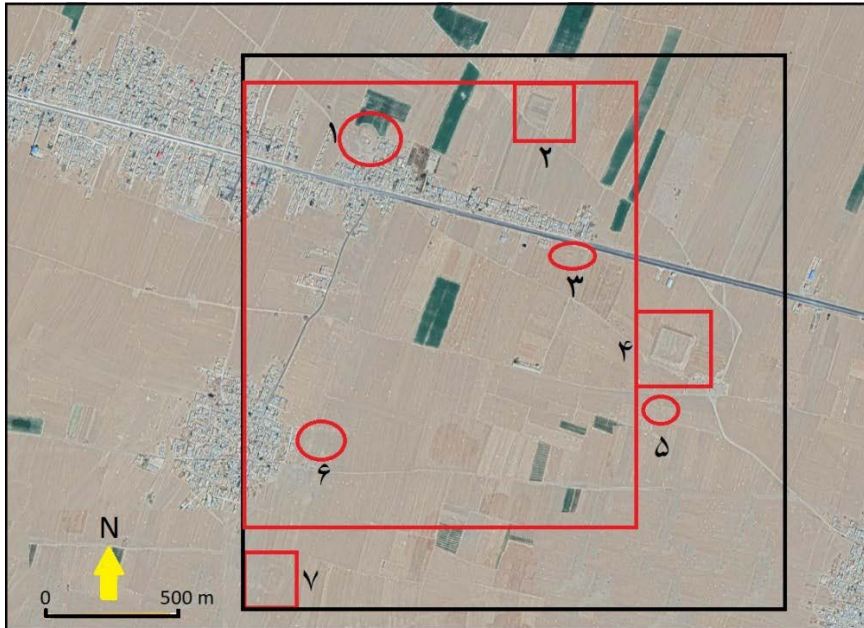
در روند بررسی سطحی محوطه‌ی چیاپور مواد فرهنگی مختلفی از جمله: معماری، سفال، اشیاء سنگی و... به دست آمد که به معرفی و توصیف هر کدام از آن‌ها در جای خود پرداخته شد. در ادامه با استناد به این شواهد و مدارک سطحی و هم‌چنین ابعاد و الگوی پراکندگی محوطه‌ها به تحلیل چگونگی ارتباط و کارکرد بخش‌های مختلف محوطه‌ی چیاپور پرداخته می‌شود.



▲ تصویر ۱۱. گزیده‌ای از یافته‌های سنگی محوطه‌ی چیاپور با کاربری غیرمعماری (نگارندگان، ۱۳۹۸).

ارتباط و کارکرد محوطه‌ها

برای به دست آوردن درک مناسبی از تحولات فرهنگی و گاهنگاری محوطه‌ی چیاپور در بافت منطقه‌ای و بررسی الگوی پراکنش و چگونگی کارکرد و ارتباط ساختارهای مختلف آن، محدوده‌ای به وسعت ۳×۳ کیلومتر مربع مورد بررسی پیمایشی قرار گرفت. طی این بررسی ۷ محوطه که شامل سه تپه به نام‌های درگاوه، چیا بی‌کسه و گنل سو، تل خندق‌های ممه‌جو، الفت و رشی و یک محوطه با برجستگی اندک معروف به کلک مَهکی شناسایی شد. این استقرارها به فاصله‌ی اندکی از تپه چیاپور قرار گرفته‌اند و به استثنای تپه چیا بی‌کسه، فواصل بین آن‌ها و تپه چیاپور به وسیله‌ی مواد فرهنگی (عمدتاً سفال) پوشش داده شده است. در واقع ما در فاصله‌ی بین محوطه‌های مذکور شاهد پراکندگی قطعات سفالی هستیم که این پراکندگی و تراکم در بعضی قسمت‌ها انبوه و در بعضی دیگر کمتر است که این امر می‌تواند تا حدودی ناشی از تغییرات به وجود آمده در سطح محوطه به خاطر فعالیت‌های مختلف از جمله کشاورزی باشد. فاصله و موقعیت دقیق این استقرارها نسبت به برجستگی باقی مانده از تپه چیاپور بدین صورت است که، تل خندق الفت در شمال شرق و به فاصله‌ی ۵۰۰ متری، تپه درگاوه در جنوب شرق و به فاصله‌ی ۸۰۰ متری، تل خندق ممه‌جو و تپه گنل سو در شرق و به فاصله‌ی ۱۱۰۰ متری، و محوطه‌ی کلک مَهکی و تل خندق رشی در ضلع جنوبی و در فواصل ۱۰۰۰ و ۱۶۰۰ متری از آن قرار دارند (تصویر ۱۲). این محوطه‌ها



تصویر ۱۲. محدوده‌ی احتمالی محوطه‌ی چیاپور^۱ و موقعیت محوطه‌ها نسبت به هم (۱). تپه چیاپور، ۲. تل خندق الفت، ۳. تپه درگاه، ۴. تل خندق ممه‌جو، ۵. تپه گنل سو، ۶. کلک مهکی، ۷. تل خندق رشی، (Google Earth, 2019).

در مجموع مساحتی بیش از ۱۵۰ هکتار را دربر می‌گیرند. سفال‌های نمونه‌برداری شده از سطح این استقرارها و تپه چیاپور نشان از هم‌پوشانی زمانی آن‌ها در طی دوران تاریخی دارد. مطالعه و مقایسه‌ی ویژگی‌های فنی و گونه‌شناختی سفال‌های گردآوری شده از سطح محوطه‌های درگاه، تل خندق الفت، تل خندق رشی، تل خندق ممه‌جو و کلک مهکی نشان از آن دارد که به احتمال فراوان بنیان اولیه‌ی آن‌ها به دوران تاریخی (اشکانی-ساسانی) بازمی‌گردد یا دست‌کم استقرار اصلی آن‌ها مربوط به این دوران است؛ هرچند که نمی‌توان منکر وجود استقرارهای قدیمی‌تر در این محوطه‌ها بود؛ اما در حال حاضر یافته‌های فرهنگی به دست آمده از سطح آن‌ها، چنین چیزی را نشان نمی‌دهد. مواد فرهنگی ادوار ماقبل تاریخی فقط در تپه‌های چیاپور و گنل سو مشاهده می‌شود^۴ که در تپه چیاپور با توجه به شواهد ساخت‌وساز با مصالحی محکم و منسجم چون ترکیب لاشه‌سنگ و ملات گچ برروی برجستگی اصلی آن، به احتمال زیاد لایه‌های پیش‌ازتاریخی در زیر این برجستگی قرار دارند و شکل‌گیری آن به صورت کنونی به دوران تاریخی بازمی‌گردد. در صورت پذیرفتن این فرض که این استقرارها در دوران تاریخی شکل گرفته‌اند (یا استقرار اصلی آن‌ها مربوط به دوره‌ی تاریخی می‌شود)، این پرسش مطرح می‌شود که چه ارتباطی بین این محوطه‌ها برقرار بوده است؟ و جایگاه و نقش هر کدام از آن‌ها در این مجموعه چگونه است؟ همان‌طور که در سطور بالا آورده شد این محوطه‌ها به فاصله‌ی اندکی از هم قرار دارند و همسانی بسیاری بین قطعات سفالی (به‌لحاظ ویژگی‌های فنی و گونه‌شناختی) و بقایای معماری قابل مشاهده‌ی آن‌ها وجود دارد؛ به‌نحوی که غالب سفال‌های گردآوری شده بر سطح این محوطه‌ها را سفال‌های متعلق به دوره‌های اشکانی و ساسانی تشکیل می‌دهد. این موضوع می‌تواند بیانگر این فرضیه باشد که محوطه‌های مذکور دارای ارتباط و وابستگی زیادی طی دوران تاریخی با هم بوده و در کل مجموعه‌ی

واحدی را شکل می‌داده‌اند که هرکدام دارای کارکرد و نقش خاصی در بافت آن هستند. با توجه به مساحت و موقعیت تپه چیاپور، نوع، میزان و پراکندگی مواد فرهنگی بر سطح و دامنه‌ی آن می‌توان این تپه را در کانون محوطه‌های پیرامون قرار داد و برای آن نقشی مانند محوطه‌ی مرکزی را در ارتباط با سایر محوطه‌ها تعریف کرد.

این تپه دارای دو برجستگی کوچک و بزرگ و محدوده‌ی تسطیح شده‌ی وسیعی است که اگر بتوان از روی پراکندگی قطعات سفالی گستره‌ی احتمالی آن را تخمین زد، می‌توان گفت که بیش از ۹۰٪ کل مساحت محوطه را دربر می‌گیرد. بر سطح برجستگی اصلی آن شواهدی از یک ساختمان مستطیل شکل و بزرگ با مساحتی بیش از ۱۲۰۰ متر مربع و ساخته شده از مصالح لاشه‌سنگ و ملاط گچ دیده می‌شود؛ علاوه بر این در دامنه‌های این تپه و در داخل بافت مسکونی روستا، قطعات شکسته‌ای از ساقه‌ستون، پایه‌ستون و آجر پراکنده شده است. این یافته‌ها می‌توانند به‌عنوان شواهد احتمالی معماری از یک بنای مهم و ستون‌دار (؟) در نظر گرفته شوند؛ بنابراین مساحت و ارتفاع این تپه به همراه یافته‌های سفالی و معماری نشانگر اهمیت آن به‌عنوان مهم‌ترین محوطه در بین سایر محوطه‌های چیاپور، طی دوره‌های مورد بحث در این پژوهش است. در حال حاضر و با توجه به عدم انجام کاوش در این تپه نمی‌توان بیش از این به حدس و گمان متوسل شد و به ارائه‌ی فرضیات در مورد جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ی ساکن در آن پرداخت.

یکی از نزدیک‌ترین محوطه‌ها به تپه چیاپور، تپه درگاه واقع در ضلع جنوبی روستای چیاپور (دقیقاً در مجاورت جاده‌ی آسفالتی رومشگان) و در ۸۰۰ متری جنوب شرقی برجستگی باقی مانده از تپه چیاپور است. این تپه‌ی کوچک با ابعاد در حدود ۳۵×۳۲ متر، دارای ارتفاعی در حدود ۱/۵ متر از سطح زمین‌های اطراف است. بر رأس ضلع شرقی این محوطه، شواهدی از یک دیوار ساخته شده از لاشه‌سنگ و ملاط گچ به طول ۲ متر و ارتفاع ۵۰ سانتی‌متر دیده می‌شود. علاوه بر این دیوار، نمونه‌هایی از آجرهای شکسته و سالم بر سطح و پیرامون محوطه پراکنده شده است. این آجرها، مشابه نمونه‌های یافت شده بر دامنه‌ی تپه‌ی مرکزی هستند. در ضلع غربی این دیوار و به فاصله‌ی اندکی از آن، در اثر حفاری‌های غیرمجاز، شواهدی احتمالی از فعالیت صنعتی (کوره) نمایان شده است (تصویر ۱۳: الف و ب).

شواهد موجود در سطح محوطه، از جمله وجود جوش کوره و بخشی از دیواره‌ی گداخته شده نشان از وجود احتمالی یک کوره‌ی سفال دارد که در قسمت‌های نزدیک به سطح قرار دارد. دیواره‌ی گداخته شده حدود ۵/۱ متر ارتفاع دارد و تنها بخش جنوبی آن برجای مانده است. اندکی بالاتر از دیواره‌ی گداخته شده، لایه‌ای از آوار ساختمانی با مخلوطی از سنگ‌ریزه، قطعات شکسته و سالم آجر، آهک و گچ دیده می‌شود که بر روی بستری از گچ به ضخامت حدود ۳ سانتی‌متر قرار دارد. آوار ساختمانی، بستر گچی و قسمت‌های باقی مانده از دیوار، نشان‌دهنده‌ی وجود فضا یا فضاهای معماری، پیرامون این کوره است؛ اما پاسخ قطعی به این پرسش



▲ تصویر ۱۳. بقایای بازمانده از دیواره‌ی گداخته شده از کوره‌ی احتمالی بر سطح تپه درگاه (نگارندگان، ۱۳۹۸).

که چه ارتباطی بین فضاهای معماری و کوره وجود داشته، و این که آیا ساخت آن‌ها هم‌زمان با هم بوده است یا نه (؟) نیازمند انجام کاوش‌های باستان‌شناسی است. در شرایط حاضر، یافته‌های سفالی درون و پیرامون دیواره‌ی گذاخته شده و تپه درگاه می‌تواند تا حدودی ما را در پاسخ احتمالی به این پرسش‌ها یاری کند. یافته‌های سفالی سطحی به دوره‌های اشکانی و ساسانی تعلق دارند، اما از سایر دوره‌ها، هیچ یافته‌ی سفالی به دست نیامد. این موضوع می‌تواند بیانگر این باشد که کوره در دوره‌ی اشکانی و یا ساسانی ساخته شده است. با توجه به وجود جوش کوره و بخش‌هایی از دیواره‌ی گذاخته شده، می‌توان تپه درگاه را مکانی صنعتی جهت تولید و پخت سفال در محوطه‌ی چیاپور طی دوران تاریخی معرفی کرد.

در بخش‌های شمالی، جنوبی و شرقی تپه چیاپور به ترتیب تل خندق‌های الفت، رشی و ممه‌جو قرار دارند. از لحاظ شکل هندسی این تل خندق‌ها سازه‌های چهارگوشی هستند که پیرامون آن‌ها گودالی کنده شده است. عناصر ساختاری آن‌ها شامل یک فضای داخلی چهارگوش به همراه خاکریز و گودالی در اطراف می‌شود. میانگین مساحت آن‌ها حدود ۱/۵ هکتار و ارتفاعی بین ۲ تا ۳ متر از سطح زمین‌های اطراف دارند. بر اثر حفاری‌های غیرمجاز بر سطح تل خندق‌ها، لاشه‌سنگ‌های آغشته به ملاط گچ پراکنده شده است که نشان‌دهنده‌ی وجود سازه‌های معماری در این تل‌ها است. تل خندق ممه‌جو با وسعت ۲/۵ هکتار و ارتفاعی در حدود ۳ متر، وسیع‌ترین و مرتفع‌ترین آن‌ها به شمار می‌رود. عرض کنونی گودال پیرامون این سازه حدود ۳۲ متر و عمق آن به ۳ متر می‌رسد.

تل خندق‌های رومشگان از لحاظ شکل هندسی و ظاهری و طرز ساختمان شباهت تفکیک‌ناپذیری با یکدیگر دارند. تاکنون در مورد کاربری این گونه سازه‌ها اظهارنظرهای مختلفی صورت گرفته است. اولین کسی که به مطالعه در مورد تل خندق‌ها پرداخت، «لئو ترومپلمن» بود؛ وی ضمن بررسی ویژگی‌های ظاهری و ریخت‌شناسی تل خندق سرمشهد در استان فارس آن‌را به عنوان یک برج خاموشی از دوره‌ی ساسانی معرفی کرد (ترومپلمن، ۱۳۷۲: ۲۹)؛ درحالی‌که پژوهشگران دیگری مانند «ابراهیمی» و «ابوالاحرار» کارکرد همین سازه را در ارتباط با آبیاری می‌دانند (ابراهیمی و ابوالاحرار، ۱۳۸۷: ۸۰). احمد پرویز، عملکرد نظامی و دفاعی را برای این گونه سازه‌ها پیشنهاد می‌دهد. ظاهراً نظر او مبتنی بر شکل ظاهری آن‌ها است که این سازه‌ها را مشابه پادگان یا سازه‌های یک دژ می‌داند (پرویز، ۱۳۸۵). «پارسا قاسمی» از جمله دیگر باستان‌شناسانی است که به تحقیق در مورد ویژگی‌های ریخت‌شناسی و کارکردی تل خندق‌ها پرداخته است؛ وی با بررسی محدوده‌ی بین بیشاپور و برازجان موفق به شناسایی تعدادی از این سازه‌ها با اشکال چهارگوش، مدور و بیضی شکل شد. قاسمی با ارائه‌ی دلایلی که در ذیل خواهد آمد، هم‌نظر با احمد پرویز کارکرد دفاعی و نظامی را برای این گونه سازه‌ها تعریف می‌کند. «با توجه به ویژگی‌های معماری این سازه‌ها چون پلان گرد و چهارگوش و وجود خندق به عنوان یک عامل حفاظتی و دفاعی در اطراف آن‌ها، و هم‌چنین قرارگیری آن‌ها

در دشت‌ها و نزدیک مراکز جمعیتی دوره‌های اشکانی و ساسانی می‌توان کارکرد دفاعی برای آن‌ها در نظر گرفت. از آنجا که محوطه‌های باستانی واقع در مجاورت این سازه‌ها فاقد استحکامات دفاعی چشمگیر هستند، احتمال انتساب این سازه‌ها به بناهای دفاعی منطقی به نظر می‌رسد. به علاوه این‌که مشابهت زیادی بین این سازه‌ها با قلاع و استحکامات دفاعی دوره‌ی اشکانی و ساسانی که در دیگر مناطق تحت سلطه‌ی این دوره‌ها شناسایی شده‌اند، وجود دارد» (قاسمی، ۱۳۸۹: ۹۵).

نگارندگان این مقاله در تعیین کاربری تل خندق‌ها با نظر پرویز و قاسمی، موافق هستند و به پیروی از آن‌ها تل خندق‌های رومشگان را در ارتباط با امور نظامی و دفاعی می‌دانند. فاصله‌ی نزدیک این سازه‌ها نسبت به تپه چیاپور و موقعیت شکل‌گیری آن‌ها در اضلاع شمالی، شرقی و جنوبی این تپه می‌تواند به‌طور ضمنی بیانگر ارتباط معناداری بین آن‌ها باشد. موقعیت تل خندق‌ها به نحوی است که تپه چیاپور را از سه جهت احاطه کرده‌اند؛ ضمن این‌که احتمال وجود سازه یا سازه‌های دیگری را در ضلع غربی آن می‌توان متصور شد که در اثر فعالیت‌های بی‌رویه کشاورزی و ساختمان‌سازی رد و نشانی از آن‌ها برجای نمانده است. چنان‌که اشمیت در گزارش خود از محوطه‌های دشت رومشگان از تل خندقی به نام «قاطرچی» نام می‌برد که اکنون از بین رفته و اثری از آن مشاهده نمی‌شود (Schmidt, 1989).

دلیل وجودی سه سازه‌ی نظامی از دوره‌های تاریخی (اشکانی و ساسانی) و در یک محدوده‌ی مکانی کوچک را تنها در صورت وجود مکان استقرار مهمی در آن محدوده می‌توان تفسیر کرد که ساکنان این استقرار امنیت و آرامش خود را در گرو وجود چنین سازه‌هایی می‌دانستند.

با نگاهی به موقعیت جغرافیایی و ارتباطی دشت رومشگان این موضوع می‌تواند تا حدودی ملموس‌تر شود. موقعیت جغرافیایی و ارتباطی دشت رومشگان به‌گونه‌ای است که از یک سو در مجاورت کانون‌های مهم استقراری دره‌ی سیمره و خوزستان قرار دارد؛ و از دیگر سو، یکی از مسیرهای مهم ارتباطی است که پیونددهنده‌ی شهرها و مراکز استقراری خوزستان با زاگرس مرکزی، شمال غرب و بین‌النهرین بوده است. به احتمال، یکی از این مسیرها از شهرهای شمالی خوزستان آغاز می‌شده، پس از عبور از سیمره به رومشگان می‌رسیده و از آنجا به طرحان و شهرهای سیروان و آدیوجان و در نهایت به غرب و شمال غرب ایران منتهی می‌شده است. در کتاب راه و رباط در ایران، یک مسیر کاروان‌رو از دزفول تا سیروان مشخص شده که دقیقاً از شهر سیمره و دشت رومشگان می‌گذرد (پیرنیا و افسر، ۱۳۷۰: ۱۴۰). در مسیر این راه هنوز آثار پل‌هایی مانند چمن‌مشت یا آوُبرده در فاصله‌ی چهار کیلومتری شمال سیمره که سیمره و رومشگان را به هم وصل می‌کرده و جاده‌های سنگ‌فرشی از جمله خسروزه، و گوربندی باقی مانده است. «چریکوف» روسی، جاده‌ی خسرو و آثار آن را تشریح کرده است (چریکوف، ۱۳۵۸: ۹۹)؛ هم‌چنین مأمور ناشناخته‌ای از حکومت مرکزی در عصر قاجار به خوبی این جاده را گزارش کرده و می‌گوید: «زمانی که شهری در سیمره بوده به جهت نزدیکی سیمره به رامشگران (رومشگان) در وسط کوه، راهی درست کرده‌اند که به ماریچج است و از سنگ و گچ است و فراز و نشیب

را سنگ‌فرش کرده‌اند و اکنون در بعضی جاها اثر آن پیدا است، سه فرسنگ کوه را همین‌طور سنگ‌چین کرده‌اند و می‌گویند این راه در زمان خسرو ساخته شده است». وی هم‌چنین از آثار و بناهای دیگری در مسیر این راه نام می‌برد، از جمله به قلعه‌ای بر فراز کوه مه‌له در جنوب دشت رومشگان اشاره می‌کند و می‌گوید «مشهور است که این قلعه جای شکر اصفهانی از خادمان خسرو پرویز بوده است و امروزه به قلعه شکر موسوم است» (جغرافیای ناشناس، ۱۳۹۵: ۹۱). در بازدید نگارندگان از مسیر این راه، شواهد باستان‌شناسی به صورت جاده‌های سنگ‌راهی و قلعه‌های امنیتی شناسایی شد؛ بنابراین با توجه به موقعیت ارتباطی رومشگان که یکی از مسیرهای اصلی دسترسی به خوزستان و سیمره بوده است، طبیعتاً در صورت هرگونه تهاجم و لشکرکشی به این نواحی از سوی بین‌النهرین یا سایر قسمت‌های زاگرس مرکزی، رومشگان در معرض خطر و تهدید جدی قرار داشته است. با توجه به وسعت و حجم یافته‌های فرهنگی تپه چیاپور، این محوطه بزرگ‌ترین و مهم‌ترین استقرار دشت رومشگان در دوره‌های پارت-ساسانی بوده است و بالطبع بیشتر در معرض توجه قرار داشته است. در پیرامون این محوطه هیچ شواهدی از استحکامات دفاعی اعم از قلعه یا برج و بارو مشاهده نمی‌شود؛ در این صورت تل‌خندق‌های پیرامون این محوطه می‌توانسته‌اند به‌عنوان سازه‌های امنیتی و تدافعی ایفای نقش کنند و ساکنان را در برابر خطرات و تهاجمات احتمالی مصون نگه‌دارند.

در مورد کارکرد و چگونگی ارتباط تپه گنل سو با تپه چیاپور به‌علت این‌که این محوطه شواهد خاصی را ارائه نمی‌دهد، در شرایط کنونی و بدون یاری گرفتن از داده‌های حاصل از کاوش نمی‌توان نظر داد؛ به‌ویژه این‌که به‌علت انجام فعالیت‌های کشاورزی و خاکبرداری‌های مکرر از سطح این محوطه، آسیب‌های جدی بر آن وارد شده و بیشتر قسمت‌های آن‌ها تسطیح شده است. محوطه‌ای که امروزه در بین محلی‌ها به «کلک مهکی» معروف است می‌توان آن را در اصل بخشی از تپه چیاپور به‌شمار آورد که در اثر عوامل مختلف انسانی و طبیعی از کالبد اصلی خود جدا افتاده و به‌صورت محوطه‌ی مجزا درآمده است. لازم به ذکر است که چگونگی ارتباط دقیق این محوطه‌ها با هم چه از نظر گاهنگاری و چه از نظر کارکرد و موقعیت فرهنگی-اجتماعی آن‌ها در جامعه‌ی زمان خود، مستلزم آگاهی از جزئیات بیشتری است. نبود اطلاعات حاصل از کاوش‌های باستان‌شناختی در بخش‌های مختلف محوطه‌ی چیاپور، امکان مطالعه‌ی تطبیقی میان یافته‌های آن‌ها و ارتباطشان را با محدودیت‌هایی مواجه می‌کند؛ لذا آن‌چه که در اینجا بر مبنای یافته‌های سطحی مطرح شد در حد طرح موضوع و تنها به‌عنوان مقدمه‌ای برای مباحث بیشتر در این زمینه است.

نتیجه‌گیری

دشت میان‌کوهی رومشگان با قابلیت‌های زیست‌محیطی خود یکی از دشت‌های مهم استان لرستان از لحاظ شکل‌گیری کانون‌های جمعیتی طی دوره‌ی اشکانی و ساسانی بوده است. قابلیت سکونت در این دشت به‌گونه‌ای است که یکی از

بزرگ‌ترین و در عین حال مهم‌ترین استقرارهای دوره‌های اشکانی و ساسانی در محدوده‌ی زاگرس مرکزی و استان لرستان در آن شکل گرفته است. این استقرار که در گویش محلی به «چیاپور» معروف است با مساحتی بیش از ۱۵ هکتار، از یک تپه‌ی بزرگ به همین نام، تل خندق‌های سه‌گانه‌ی ممه‌جو، الفت و رشی و همچنین سه تپه با نام‌های «گنل‌سو»، «درگاو» و «کلک مهکی» تشکیل می‌شود؛ هرچند در مطالعات و تحقیقات پیشین هر کدام از این استقرارها به صورت جداگانه و بدون ارتباط با هم بررسی شده‌اند، اما نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تپه‌ها و برجستگی‌های گفته شده احتمالاً بخش‌های مختلف یک واحد استقراری بزرگ بوده‌اند و هر یک از آن‌ها با توجه به موقعیت‌شان در محوطه نقش کارکردی خاص خود را داشته‌اند. در کانون این محوطه‌ی واحد، تپه چیاپور قرار دارد که هم به لحاظ وسعت و هم به دلیل حجم یافته‌های فرهنگی اعم از: معماری، سفال، اشیاء سنگی احتمالاً از بقیه‌ی بخش‌های محوطه مهم‌تر می‌باشد. شواهد معماری در تپه چیاپور بیانگر برپایی احتمالی ساختمانی بزرگ و ستوندار است که نشان‌دهنده‌ی اهمیت بیشتر این تپه در ساختار و بافتار مجموعه‌ی چیاپور هست. با توجه به اهمیت این تپه، قرارگیری آن در مرکز دشت رومشگان و در مجاورت مسیرهای ارتباطی (که یکی از مسیرهای احتمالی لشکرکشی‌ها و تهاجمات به شهرهای خوزستان، سیمره و... می‌توانست باشد) و عدم وجود هرگونه استحکامات و دیوارهای تدافعی در پیرامون آن، تل خندق‌های سه‌گانه‌ای که در اضلاع شمالی، جنوبی و شرقی آن قرار دارند، به عنوان سازه‌های نظامی و دفاعی، امنیت سکنه را در برابر تهاجمات و خطرات احتمالی برعهده گرفته‌اند. وجود کوره‌ی سفال‌پزی در سطح تپه درگاو، نشان از فعالیت‌های صنعتی در داخل این محوطه دارد. در کل می‌توان چیاپور را محوطه‌ای متشکل از یک تپه استقراری با موقعیت مرکزی تعدادی سازه‌های امنیتی و دفاعی در پیرامون آن و یک محوطه‌ی صنعتی معرفی کرد که در عین حال با وجود مشخصه‌های مهمی چون: وسعت زیاد، پراکندگی و حجم مواد باستان‌شناختی و موقعیت شکل‌گیری نسبت به سایر استقرارهای هم‌زمان در دشت رومشگان، یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین استقرارهای متعلق به دوره‌های اشکانی-ساسانی در این دشت به شمار می‌رود.

پی‌نوشت

۱. بررسی فراگیر و گسترده‌ی شهرستان رومشگان در سال ۱۳۹۶ به سرپرستی «رضا جهانسوز» انجام گرفته است که تاکنون گزارشی از آن منتشر نشده است.
۲. با توجه به شکل و ابعاد این قطعات سنگی و حفره‌ی ایجاد شده بر رأس و سطح آن‌ها شاید به عنوان مال‌بند برای بستن افسار حیواناتی مانند: اسب، قاطر، الاغ و... به کار می‌رفته‌اند. امروزه استفاده از سنگ‌های حفره‌دار جهت بستن افسار حیوانات و محکم کردن دیرک چادر در بین عشایر و دامداران منطقه‌ی لرستان مرسوم است؛ با این تفاوت که عشایر از سنگ‌هایی که دارای حفره‌های طبیعی هستند، استفاده می‌کنند. یافته‌های فوق اگر کاربری ثانویه نیافته باشند نشان می‌دهد که در بافت محوطه‌ی چیاپور فضایی جهت نگه‌داری از حیوانات وجود داشته است.
۳. کادر مشکی نمایانگر گستره‌ی احتمالی محوطه‌ی چیاپور، و کادر قرمز بزرگ نشان‌دهنده‌ی محدوده تپه چیاپور است.
۴. هر چند در بررسی «مصطفی رشیدی‌ارزنده» از سطح خندق ممه‌جو به وجود سفال‌های پیش‌ازتاریخی اشاره شده است، اما در جریان بازدید نگارندگان از محوطه‌ی فوق هیچ شواهدی از ادوار ماقبل تاریخی به دست نیامد.

سیاسگزاری

در تهیه و تدوین این نوشتار از پیشنهادات و راهنمایی‌های سودمند همکارانی چون: دکتر علیرضا خسروزاده، دکتر سجاد علی بیگی، دکتر جواد علایی مقدم، آرمان وفایی و سرکار خانم نجمه موسی تبار استفاده شد؛ نگارندگان از همه‌ی این بزرگواران نهایت تشکر و قدردانی را می‌نمایند.

کتابنامه

- آذرنوش، مسعود، ۱۳۸۶، «گزارش کاوش‌های لایه‌شناختی تپه هگمتانه».
- مجموعه مقالات نهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، گزارش‌های باستان‌شناسی (۷)، ویراستار: مجتبی قاسمی سعادت‌آبادی و علی شریفی، تهران: پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی، پژوهشگاه سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، صص: ۱۹-۶.
- ابراهیمی، سعید؛ و ابوالاحرار، علیرضا، ۱۳۸۷، «بازنگری کاربری تل خندق سرمشهد». خلاصه مقالات دومین همایش بین‌المللی جنوب آسیا، شیراز: دانشگاه آزاد واحد کازرون، صص: ۸۳-۷۲.
- بزنیوال، رولان، ۱۳۷۹، فن‌آوری طاق در خاور کهن. ترجمه‌ی سیدمحسن حبیبی، تهران: انتشارات سازمان میراث‌فرهنگی (پژوهشگاه).
- پرویز، احمد، ۱۳۸۱، «پل و تحول آن در قلمرو ابونجم بدر بن حسنویه». پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد، دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران (منتشر نشده).
- پرویز، احمد، ۱۳۸۵، «بررسی و شناسایی شهرستان کوه‌دشت». بایگانی سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان لرستان (منتشر نشده).
- پیرنیا، کریم؛ و افسر، کرامت‌الله، ۱۳۷۰، راه و رباط در ایران. سازمان میراث‌فرهنگی و انتشارات آدمین، تهران: چاپ دوم.
- ترومپلمن، لئو، ۱۳۷۲، «قبور و آیین تدفین دوره‌ی ساسانی». ترجمه‌ی مولود شادکام، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، شماره‌ی ۱۵، صص: ۳۷-۲۹.
- بی‌نام، ۱۳۷۰، جغرافیای لرستان پیشکوه و پشتکوه. به‌کوشش: سکندر امان‌الهی بهاروند، خرم‌آباد: انتشارات اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- چریکوف، نیل، ۱۳۵۸، سیاحتنامه مسیو چریکوف. ترجمه‌ی آبکار مسیحی، به‌کوشش: علی اصغر عمران، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- حسن‌پور، عطا، ۱۳۹۱، «فصل دوم کاوش باستان‌شناختی محوطه باستانی قلعه گوری رماند (حوضه‌ی سد سیمره، بخش کوهنایی، شهرستان کوه‌دشت)». سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان لرستان (منتشر نشده).
- حصاری، مرتضی؛ امیری، مصیب، محمدیارلو، مجید؛ و بیک‌محمدی، خلیل‌الله، ۱۳۹۲، «سردوک‌های سفالی محوطه‌ی چارآورو در حوضه سد سیمره». مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، گروه باستان‌شناسی دانشکده‌ی هنر و معماری، شماره‌ی ۴، دوره‌ی سوم، صص: ۹۶-۷۷.

- خسروزاده، علیرضا؛ و عالی، ابوالفضل، ۱۳۸۳. «توصیف، طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌شناختی سفال‌های دوران اشکانی و ساسانی منطقه ماه‌نشان (زنجان)». مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران: حوزه‌ی شمال غرب، به‌کوشش: مسعود آذرنوش، صص: ۴۵-۷۱.
- دمورگان، ژاک، ۱۳۳۹، ج جغرافیای غرب ایران. ترجمه‌ی کاظم ودیعی، تبریز: انتشارات چهر.
- رهبر، مهدی، ۱۳۸۲، کاوش‌های باستان‌شناسی خورهه. تهران: انتشارات پازینه.
- رهبر، مهدی؛ و علی‌بیگی، سجاد، ۱۳۹۰. «از سرگیری پژوهش‌های باستان‌شناسی به منظور مکان‌گزینی مکان‌یابی معبد لائودیسه نهاوند». مجله پیام باستان‌شناس، شماره‌ی ۱۵، صص: ۱۶۶-۱۳۱.
- رشیدی‌ارزنده، مصطفی، ۱۳۹۰، «الگوهای استقرار دشت میانکوهی رومشگان از روستانشینی متقدم تا روستانشینی متأخر». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز (منتشر نشده).
- رشیدی‌ارزنده، مصطفی؛ و صفرخانی، سمیرا، ۱۳۹۴، «تأثیر شرایط اقلیمی و زمین‌ریخت‌شناسی بر پراکندگی استقرارهای دوره‌ی روستانشینی دشت رومشگان». مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، شماره‌ی ۱۰ و ۱۱، صص: ۱۲۷-۱۰۵.
- سرفراز، علی‌اکبر، ۱۳۷۶، تخت سلیمان. با همکاری: محمدیوسف کیانی، تبریز: انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، چاپ اول.
- شهبازی، سیاوش، ۱۳۸۵، «گزارش فصل اول بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان دره‌شهر». سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام، (منتشر نشده).
- علی‌بیگی، سجاد، ۱۳۸۹، «از سرگیری پژوهش‌های باستان‌شناسی در محوطه پارتی بیستون». پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، سال دوم، شماره‌ی سوم، صص: ۷۰-۳۹.
- قاسمی، پارسا، ۱۳۸۹، «معرفی سازه‌های موسوم به تل خندق در قلمرو فارس باستان»، باستان‌شناسی ایران (۱)، صص: ۹۷-۸۶.
- کلایس، ولفرام؛ ۱۳۸۵، محوطه معروف به دامنه پارتی، در: بیستون، کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۶۷-۱۹۶۳. به‌کوشش: ولفرام کلایس و پیتر کالمایر، ۱۳۸۸، ترجمه‌ی فرامرز نجدسمیعی، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، معاونت فرهنگی و ارتباطات، اداره کل امور فرهنگی، صص: ۱۲۰-۱۰۵.
- محمدی‌فر، یعقوب، ۱۳۸۴، «بررسی و تحلیل آثار و استقرارهای اشکانی در زاگرس مرکزی». رساله‌ی دکتری، به‌راهنمایی: محمدرحیم صراف، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
- مرادی، بابک، ۱۳۸۴، «بررسی غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای شهرستان کوهدشت». بایگانی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان (منتشر نشده).
- میری، فرشاد، ۱۳۹۳، «تحلیل الگوهای استقرار دشت رومشگان در دوره‌ی

اشکانی با استفاده از فناوری GIS». پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد، دانشکده‌ی مرمت
حفاظت و دانشگاه هنر اصفهان (منتشر نشده).
- مردانی، یاسر، ۱۳۹۶، «گزارش تعیین حریم و پیشنهاد عرصه تپه چقابور
شهرستان رومشگان». بایگانی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
استان لرستان (منتشر نشده).
- مظاهری، خداکرم، ۱۳۸۵، «گزارش فصل دوم بررسی و شناسایی دره سیمره». *جهاد دانشگاهی واحد استان ایلام* (منتشر نشده).
- یوسفوند، یونس؛ و میری، فرشاد، ۱۳۹۸. «کلک تمرخو؛ چهارتاقی نویافته
از دوره‌ی ساسانی در غرب لرستان (طهران)». *مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی
ایران*، شماره‌ی ۲۱، دوره‌ی نهم، صص: ۱۵۰-۱۳۱.

- Bruno, A., 1966, "The Preservation and Restauration of Taq-Kisra". *Mesopotamia*, NO. 1, Pp. 89-108.
- Delougaz, P. P. & Helen J. K., 1996, *Cgogha Mish: The First five Seasons of Excavations, 1961-1971*. Edited by: A. Alizadeh. Publication 101, 2 vols. Chicago: Oriental Institute of University of Chicago.
- Huff, D., 1977, *Aspect Historie et Archeologiques in Ghala Doukhtar*. Atechkade, H. Hugi, Ecolepolytechnique, Federal, Zurich, Avril.
- Goff, C., 1971, "Luristan Before the Iron Age", *Iran* 9: 131-152.
- Kleiss, W., 1970, "Zur topographic des partherherhenges in bidtun". *Archaeologische Mitteilungen aus Iran*, Band 3, Pp. 133-168.
- Keall, E. J. & Marquerite J. K., 1981, "The Qaleh-I Yazdigird Pottery: A Statistical Approach". *Iran*, No. 19, Pp. 33-80.
- Lecomte, O., 1987, "La ceramique Sassanide, Fouilles de Tureng Tepe, sous la direction de Jean Deshayes par Remy Boucharlat et Oliver Lecomte". *Paris*, Pp. 93-113.
- Stein, A., 1940, *Old Routes of Western Iran*. London.
- Schmidt, E.; Van Loon, M. & Curvers, H., 1989, *The Holmes Expedition to Luristan*. University of Chicago Publication, 2 Vols.